



## خنجر زمانه در اندوه خاک سپاری استاد ایرج افشار

مهدی فیروزیان

رفتیم جان به خاک سپردیم و آمدیم  
در گریه وداع فشردیم و آمدیم  
بر روی دست باخته بردیم و آمدیم  
بر خاک او ستاره شمردیم و آمدیم  
زهر حقیقتی ست که خوردیم و آمدیم  
از چشم خود به اشک ستردیم و آمدیم  
دادیم جان به خاک و نمردیم و آمدیم

مردیم و آمدیم، فسرردیم و آمدیم  
رفتیم حسرت سخنان نگفته را  
آن شاه را که بازی تقدیر مات کرد  
دیدیم ماه را که نهادند زیر خاک  
آن خنجر زمانه که یک روز قصه بود  
شور و امید را که غباری ست پردروغ  
بی جان به جای ماندن ما از عجایب است

